

بحران

به کارگران و خانواده‌هایشان

محمود صالحی

شنبه یازدهم آبان ۱۳۸۷

رفقا و دوستان عزیزم، ای همه‌ی کسانی که به هنگام زندانی بودن من، در کنار هم‌زمانم در ایران و به همراه خانواده‌ام برای آزادی من کوشیدید و کمک کردید تا این آزادی میسر شود. امروز که نظام سرمایه‌داری بحران عمیقش را بر همه ما تحمیل کرده من و هم‌زمانم در ایران در کنار شما هستیم، هم‌زمان با شما رنج می‌بریم و مثل شما به فکر راه چاره هستیم.

ای زنان و مردان هم‌طبقه‌ایم در کشورهای مختلف جهان، ای میلیون‌ها خانواده کارگری که خانه‌هایتان توسط سرمایه‌داران ضبط شده است، ای صدها هزار کارگری که کارها و ممر معاشتان را از دستتان گرفته‌اند و ای میلیون‌ها نفری که در نگرانی مداوم بسر می‌برید تا مبادا کار و سر پناهتان را از دست بدهید، من و هم‌زمانم در ایران به فکر شما هستیم و همچون شما به فکر راه چاره‌ایم.

بحرانی از راه رسیده است که تا هم اکنون زندگی میلیون‌ها کارگر و خانواده‌های آنها را به هم ریخته و آرامششان را بهم زده است. سرمایه‌داران گوناگون، سیاستمداران و رسانه‌هایشان دلایل گوناگونی برای این بحران ارائه می‌دهند. دسته‌ی می‌گوید عامل اصلی غضب خدا بوده و به این ترتیب کل نظام سرمایه‌داری را از زیر ضرب خارج می‌کنند. اکثریتی می‌گویند بانکداران طماع و فاسد عامل این بدبختی و بحران هستند. اینها می‌خواهند گردی به جمال کل نظام سرمایه‌داری ننشینند. این اکثریت به انجا گوناگون دارند خاک به چشم ما کارگران می‌پاشند و هم‌زمان از پول مالیاتهای خود ما صدها میلیارد دلار به جیب همین بانکداران میریزند و قرض‌هایی را که بارآورده‌اند از طریق دولتی کردن موسسات مالیاتشان از جیب مردم و مالیاتشان پس می‌دهند. آنها همینکه آنها که از آسیاب افتاد همین موسسات را هم به همین دزدان و فاسدین برمیگردانند. آنها از رادیوها، تلویزیونها، سایتها، روزنامه‌ها، مجلات و کتابها مدد می‌گیرند تا ما مردم را قانع کنند که خود بیکار و گرسنه و مالا مال از تشویش بمانیم ولی اجازه دهیم تا آن صدها میلیارد دلار به جیب سرمایه‌داران ریخته شود تا دوباره راهی را بروند که به بحرانی عمیقتر ختم خواهد شد.

اما آنها میدانند که تمام این کوششهای وسیع، چند جانبه و مخرب، کارگران آگاه و مبارز را فریب نخواهد داد. آنها میدانند که این کارگران نفوذ کلام دارند و میتوانند کاسه کوزه‌شان را بر سرشان بریزند. پس برای قانع کردن این دسته از فعالین کارگری به کارل مارکس متوسل شده‌اند. آنها هر روز دهها مقاله در روزنامه‌های کثیرالانتشار منتشر میکنند و توسط خبرگزاریها و از جمله رویتر برای رسانه‌های جمعی می‌فرستند و آنها نیز آنرا وسیعاً پخش میکنند. آنها در ضمن میدانند که روی آوری به خواندن آثار مارکس به شدت بالا گرفته است و از هم اکنون میکوشند امکان درک درست از آثار این معلم پرولتاریا را سد کنند. آنها به مارکس منتسب میکنند که گویا خواستار دولتی کردن موسسات تولیدی، مالی و خدماتی و کمک دولت به سرمایه‌داران بوده است. زهی بیشرمی. **مارکس خواستار**

دولتی کردن اقتصاد تحت لوای پرولتاریای متشکل شده به صورت دولت بوده است و نه دولتی کردن

اقتصاد تحت سیطره و قدرت سرمایه‌داران.

عزیزان! اگر شما نیز مثل من و همزمانم در ایران به فکر راه چاره‌اید باید به عنوان گام اول علل این بحران را به خوبی دریابید و راه غلبه بر مشکلات کنونی و راه دررفت نهائی را پیدا کنید. خواندن آثار مارکس از یک زاویه پرولتاری و از زاویه ضدیت با سرمایه گام اول آنست. اینکه در هر کشوری برای رفع نیازهای عاجل کارگران بیکار شده و آنهائی که شغل، خانه‌ها و پس انداز هایشان از طرف سرمایه‌داران ضبط شده من نمیتوانم چیزی بگویم. این کار فعالین کارگری در محل است که با توجه به امکانات موجود و به نیروی خود کارگران خواهشایشان را تحمیل کنند. آنچه من میتوانم در اینجا یادآوری بکنم اینست که بحران و مصائب ناشی از آن در ذات خود نظام سرمایه‌داری نهفته است. این نظام عامل بحران، بیکاری، جنگ، گرسنگی و سایر مصائب بشری است. برای رهائی از آن و گذاشتن یک بدیل بجای آن باید طبقه‌ی ما خود را در شورا‌های کارگری متشکل کند. این راه حلی است که طبقه جهانی ما در کمون پاریس و در جنگهای متعدد طبقاتی آنرا نشان داده و مارکس بزرگ آنرا تئوریزه کرده است. این راه حلی است که طبقه‌ی جهانی ما در روسیه، اسپانیا، ایران و غیره برایش کوشیده و برایش قربانی داده است. ما باید در کنار یافتن راههای حل عاجل مشکلاتمان و تحقق آنها به این راه حل اساسی فکر کنیم و خود را برای پیاده کردنش آماده سازیم.

سقز - محمود صالحی

تاریخ: ۸۷/۸/۷

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

<http://www.komitteyehamahangi.com>

komite.hamahangi@gmail.com